طالبان و محاصره ایران، لطف سیاسی یا اجبار اقتصادی؟

در شرایطی که آمریکا می‌کوشد فشار اقتصادی بر ایران را از دریا به مرزهای زمینی گسترش دهد، طالبان نه‌تنها محدودیتی بر تجارت با تهران اعمال نکرده‌اند، بلکه با توافق بر سر فعالیت شبانه‌روزی گمرک‌های مشترک، درجهت تسهیل مبادلات تجاری گام برداشته‌اند، تصمیمی که در نگاه اول می‌تواند همراهی سیاسی با ایران یا بی‌اعتنایی به سیاست‌های واشنگتن تلقی شود، اما داده‌های اقتصادی واقعیت متفاوتی را نشان می‌دهند.

طالبان بیش از آنکه برای کمک به ایران به گسترش فعالیت گمرک‌ها نیاز داشته باشند، برای جلوگیری از تشدید بحران اقتصادی افغانستان به باز ماندن این مسیر وابسته‌اند.

براساس گزارش۱۵ آبان ۱۴۰۵ بانک جهانی، پس از اختلال در تجارت افغانستان و پاکستان، حدود ۹۷ درصد واردات افغانستان از مسیرهای ایران و آسیای مرکزی انجام می‌شود؛ رقمی که اگرچه سهم مستقل ایران را مشخص نمی‌کند، اما نشان‌دهنده تغییر اساسی مسیرهای تأمین کالا در افغانستان است.

براساس داده‌های سازمان ملل، پس از بسته‌شدن گذرگاه‌های مرزی پاکستان با افغانستان در سال ۱۴۰۴، میانگین ماهانه صادرات افغانستان به پاکستان از ۷۰ میلیون به پنج میلیون دلار و واردات از پاکستان از ۱۳۷ میلیون به ۸,۵ میلیون دلار سقوط کرد.

این کاهش شدید، طالبان را برای تأمین نیازهای بازار داخلی، حفظ درآمدهای گمرکی و جلوگیری از افزایش قیمت کالاهای اساسی، بیش از گذشته به مسیرهای جایگزین، به‌ویژه ایران، وابسته کرده است.

در واقع، بحران روابط طالبان با پاکستان، ایران را از یک شریک تجاری به شریانی حیاتی برای اقتصاد طالبان تبدیل کرده و محدودکردن تجارت با تهران، پیش از آنکه به ایران آسیب بزند، می‌تواند هزینه‌های سنگینی بر اقتصاد طالبان تحمیل کند.

البته این وابستگی یک‌طرفه نیست. ایران نیز از حفظ بازار افغانستان و استمرار تجارت زمینی سود می‌برد. براساس آمار گمرک ایران، صادرات غیرنفتی این کشور به افغانستان در سال ۱۴۰۳ حدود ۲,۴ میلیارد دلار بوده و باز ماندن گذرگاه‌ها، ضمن حفظ درآمد صادرکنندگان ایرانی، یکی از مسیرهای تجارت خارجی تهران را فعال نگه می‌دارد.

بااین‌حال، حجم تجارت دو طرف، ترکیب کالاها و محدودیت ظرفیت گذرگاه‌های زمینی، اجازه نمی‌دهد حفظ این مبادلات را به معنای توانایی طالبان برای خنثی‌کردن محاصره اقتصادی ایران بدانیم. اما پرسش مهم‌تر، موضع آمریکاست.

واشنگتن در ۵ آبان ۱۴۰۵ از گسترش اقدامات خود برای مقابله با انتقال زمینی کالاهای تحریمی به ایران خبر داد. این سیاست، اگرچه با هدف محدودکردن مسیرهای دورزدن تحریم‌ها دنبال می‌شود، اما به معنای ممنوعیت تمام تجارت ایران با همسایگان نیست، چنان‌که پاکستان، ترکیه و عراق نیز با وجود فشار آمریکا، مبادلات خود با ایران را کاملاً متوقف نکرده‌اند.

ازسوی دیگر، توجیه نهادهای آمریکایی درباره پرداخت هفتگی ۴۰ تا ۸۰ میلیون دلار پول نقد به طالبان، حفظ زیرساخت‌های اولیه زندگی و تأمین کالاهای اساسی افغانستان عنوان شده تا این کشور به فروپاشی کامل نزدیک نشود. بنابراین آمریکا عملاً نمی‌تواند بدون پذیرش پیامدهای سنگین اقتصادی و انسانی، مهم‌ترین مسیر تأمین کالاهای اساسی افغانستان را مسدود کند.

با توجه به اینکه تاکنون سند معتبری درباره مخالفت واشنگتن با توافق اخیر گمرکی منتشر نشده، شاید بتوان استنباط کرد که طالبان با این اقدام، دست‌کم از خطوط قرمز آمریکا عبور نکرده‌اند.

با وجود این، پیامدهای سیاسی تصمیم طالبان را نمی‌توان نادیده گرفت.

در شرایط تشدید فشار آمریکا، گسترش تجارت طرفین، عملاً به سود ایران تمام می‌شود، حتی اگر انگیزه اصلی طالبان تأمین منافع اقتصادی خودشان باشد.

این وضعیت همچنین می‌تواند وابستگی اقتصادی طالبان به ایران و قدرت چانه‌زنی تهران را افزایش دهد مشروط به آنکه طالبان تعهدی الزام‌آور و غیرقابل بازگشت در این مناسبات تجاری بپذیرند. امری که با توجه به اختلافات دو طرف، الزاماً مطلوب طالبان نیست.

واقعیت اینست که طالبان دروازه‌های تجارت با ایران را نه لزوماً از سر دوستی با تهران و نه برای مخالفت با آمریکا، بلکه بیش از همه از سر نیاز اقتصادی باز نگه داشته‌اند.

بحران تجارت با پاکستان و محدودیت مسیرهای جایگزین، هزینه همراهی طالبان با فشارهای اقتصادی واشنگتن را افزایش داده است.

در نتیجه، آنچه امروز در مرزهای افغانستان و ایران جریان دارد، بیش از آنکه نشانه همراهی سیاسی باشد، حاصل تلاقی منافع اقتصادی دو طرف است، موقعیتی که در آن، طالبان برای حفظ اقتصاد خود به ایران نیاز دارند و ایران نیز از همین نیاز طالبان برای حفظ یکی از مسیرهای تجارت خارجی‌اش بهره می‌برد.

سید احمد موسوی مبلغ

رئیس جمهور در کنگره دانشجویی پیشگامان رهایی:

مدیریت مشکلات کشور، تقویت تاب‌آوری ملی و پیشرفت، نیازمند همراهی و مشارکت جمعی است

رئیس‌جمهور با حضور سرزده در چهارمین کنگره دانشجویی پیشگامان رهایی در دانشگاه تهران، ضمن گفتگوی صریح و بی‌واسطه با دانشجویان در کارگروه‌های تخصصی، به تشریح رویکردها و برنامه‌های دولت در حوزه‌های آموزش، انرژی، سلامت و معیشت پرداخت و در ادامه انتظارات دولت از جامعه دانشجویی برای مشارکت فعال، مسئولانه و مسئله‌محور در فرآیند حل چالش‌های کشور را تبیین کرد.

دکتر پزشکیان در جریان این حضور در پاسخ به پرسش یکی از دانشجویان درباره عدم تحقق وعده‌های انتخاباتی با اشاره به شرایط ویژه کشور و محدودیت‌های موجود، ارزیابی عملکرد دولت را نیازمند توجه همزمان به اقدامات انجام‌شده، شرایط حاکم و چالش‌های پیش‌روی کشور دانست و اظهار داشت: انصاف نیست با نادیده گرفتن شرایط موجود، تلاش‌های صورت‌گرفته برای مدیریت امور کشور، تأمین نیازهای مردم و حفظ ثبات در بخش‌های مختلف، صرفاً با این گزاره ارزیابی شود که دولت کاری انجام نداده است.

پزشکیان با تأکید بر اینکه دولت با تمام توان در مسیر حل مشکلات کشور، بهبود شرایط زندگی مردم و حفظ عزت و سربلندی ایران تلاش می‌کند، بر ضرورت همراهی، مشارکت و هم‌افزایی همه ظرفیت‌های جامعه برای عبور از شرایط دشوار و تحقق اهداف ملی تأکید کرد.

رئیس‌جمهور با تأکید بر ضرورت احیای روحیه بسیجی، همبستگی و مسئولیت‌پذیری دوران دفاع مقدس، افزود:شرایط امروز کشور از جهاتی پیچیده‌تر از گذشته است،چراکه علاوه بر مواجهه با جنگ نظامی، در معرض فشارهای شدید اقتصادی و فرهنگی نیز قرار داریم و هدف آن، تحمیل شرایط و وادار کردن کشور به تسلیم است.

پزشکیان خاطرنشان کرد:در چنین شرایطی، مسئولیت دولت صرفاً مدیریت محدودیت‌ها و بحران‌های موجود نیست، بلکه باید ضمن حفظ ظرفیتهای کشور،حرکت در مسیر توسعه،پیشرفت و حل مسائل نیز متوقف نشود.

رئیس جمهور با تأکید بر ضرورت درک واقع‌بینانه از شرایط کشور، گفت: عبور از وضعیت دشوار کنونی مستلزم آن است که همه بخشها و آحاد جامعه با شناخت مقتضیات شرایط، انتظارات و اولویتها را متناسب با واقعیتهای موجود تنظیم کنند،سختی‌ها را بپذیرند و درمسیر دستیابی به اهداف ملی، همراهی داشته باشند.



پزشکیان افزود: نمی‌توان در شرایطی که کشور درگیر جنگ و فشارهای گسترده است، انتظارات و مطالبات را بدون توجه به محدودیتها مطرح کرد و درعین حال انتظارداشت مسیر مقاومت،ایستادگی و پیروزی نیز بدون مشارکت و همراهی جمعی طی شود، این خود ما هستیم که باید شرایط را با هم مدیریت کنیم.

رئیس جمهور در تشریح اقدامات دولت درمسیر تحول نظام آموزش و پرورش،با بیان اینکه مدرسه باید بستر شکل‌گیری شخصیت، توانمندی و مسئولیت‌پذیری نسل آینده باشد، تصریح کرد:هدف آن است که دانش‌آموزان در محیط مدرسه، علاوه بر فراگیری دانش، مهارت کار تیمی، مسئولیت‌پذیری، مهارت‌آموزی، علاقه‌مندی و پایبندی به کشور و ارزش‌ها را نیز بیاموزند.

وی همچنین با تأکید بر ضرورت بازنگری در روش‌های تدریس و ارتقای توانمندی‌های حرفه‌ای معلمان، بهره‌گیری از ابزارها و فناوری‌های نوین آموزشی، از جمله هوش مصنوعی و نمایشگرهای تعاملی، را در راستای بهبود کیفیت فرآیند یادگیری و افزایش اثربخشی آموزش ضروری دانست و تصریح کرد که دولت در تلاش است زمینه استفاده از این ظرفیت‌ها را در نظام آموزشی فراهم کند.

رئیس‌جمهور همچنین در کارگروه تخصصی انرژی نیز با تشریح بخشی از اقدامات و دستاوردهای دولت در حوزه انرژی، از جمله کاهش وابستگی به واردات بنزین در شرایط تحریمی و مدیریت روند مصرف برق، تأکید کرد که عبور پایدار از ناترازی‌های انرژی مستلزم اتخاذ رویکردی جامع، هماهنگ و چندبعدی است که در آن فرهنگ‌سازی، اصلاح رفتار مصرف‌کنندگان، هماهنگی بین‌بخشی، مشارکت مردمی، بهینه‌سازی تجهیزات و تأسیسات، اصلاح مقررات، اعمال سازوکارهای نظارتی و برخورد با مصرف‌های غیرمتعارف، در کنار تشویق مشترکان خوش‌مصرف، به‌صورت هم‌زمان دنبال شود.

رئیس جمهور با اشاره به ضرورت تقویت نظام پایش و نظارت بر مصرف انرژی، از ایجاد سازوکارهای رصد و نظارت با مشارکت تیم‌های تخصصی و دستگاه‌های مرتبط در اتاق رصد انرژی سخن گفت و تأکید کرد که مدیریت مصرف باید مبتنی بر داده، پایش مستمر، ارزیابی عملکرد و مداخله هدفمند باشد.

وی در پاسخ به پرسش دانشجویان درباره وعده‌های دولت و اقدامات انجام‌شده برای تقویت معیشت مردم، با تشریح تصمیم دولت برای حذف ارز ترجیحی و انتقال منابع حمایتی آن به مردم در قالب کالابرگ، اظهار داشت که اتخاذ این تصمیم در شرایط محدودیت منابع ارزی و دشواری تأمین کالاهای اساسی، با هدف جلوگیری از اختلال در تأمین نیازهای ضروری کشور و بازگرداندن منافع حمایت‌های دولتی به مصرف‌کنندگان نهایی صورت گرفته است.

پزشکیان تأکید کرد که هدف‌گذاری دولت در اجرای سازوکار کالابرگ، اولویت‌بخشی به خانوارهای نیازمند و تقویت اثربخشی حمایت‌های معیشتی است، چراکه میزان و اثرگذاری این حمایت‌ها، متناسب با شرایط اقتصادی و نیاز خانوارها متفاوت بوده و برای بخشی از جامعه می‌تواند نقش مهمی در تأمین نیازهای اساسی ایفا کند.

رئیس جمهور همچنین با اشاره به برنامه دولت برای اصلاح تعرفه‌های انرژی، تصریح کرد که این سیاست با هدف ایجاد تناسب میان میزان مصرف، هزینه پرداختی و سطح برخورداری از یارانه انرژی دنبال می‌شود، به‌گونه‌ای که مصرف‌کنندگان پرمصرف و برخوردار، متناسب با میزان مصرف خود هزینه بیشتری پرداخت کنند و در صورت تداوم الگوی مصرف نامتعارف، از برخورداری از انرژی یارانه‌ای محروم شوند.

رئیس‌جمهور هدف مجموعه این سیاست‌ها را مدیریت ناترازی‌های انباشته، جبران خسارات واردشده به زیرساخت‌های انرژی، صیانت از رفاه عمومی و جلوگیری از محدودیت در تأمین انرژی بخش تولید عنوان کرد و افزود که با اصلاح رفتار مصرفی و کاهش حتی یک درجه‌ای دمای محیط، می‌توان زمینه صرفه‌جویی قابل توجهی در مصرف گاز، در حدود ۳۰ تا ۴۰ میلیون مترمکعب، فراهم کرد.

پزشکیان اظهار داشت: هدف آن است که ضمن مدیریت شرایط موجود، از تولید حمایت و ظرفیت‌های اقتصادی کشور حفظ شود، چراکه توقف تولید می‌تواند پیامدهایی همچون افزایش بیکاری، گسترش فقر و تشدید نارضایتی‌های اجتماعی به همراه داشته باشد.

رئیس جمهور افزود که با همراهی مردم، مشارکت اجتماعی و هماهنگی میان بخش‌های مختلف، می‌توان شرایط دشوار کنونی را مدیریت کرد و با تقویت تاب‌آوری ملی، از ظرفیت‌های کشور برای عبور موفق از چالش‌ها بهره گرفت.

رئیس‌جمهور در کارگروه تخصصی سلامت و بهداشت نیز با اشاره به شرایط پیچیده و فشارهای گسترده‌ای که کشور با آن مواجه است، ابراز امیدواری کرد با تقویت همدلی، انسجام ملی و همراهی مردم، بتوان از شرایط جنگی و فشارهای موجود عبور کرد و مسیر پیشرفت کشور را با قدرت ادامه داد.

بسیجی را نمی‌شود جعل کرد

غلامرضا بنی اسدی



من روایتِ خود را از بسیج و بسیجی دارم، روایتی که زیسته‌ام و در زیستِ فرزندانِ دفاع مقدس خوانده‌ام. به روایت‌های جعلیِ دشمن‌ساخته و حتی آدم‌های جعلی نفوذیافته کاری ندارم. هر دو را «عارضه» می‌دانم، عارضه‌ای که حداکثر در اندازه غباری کوتاه است و نمی‌تواند دامنِ بسیج را بیالاید. این کف‌های روی آب را خودِ آب، به آرامشِ خود چاره می‌کند.

بسیج، میراثِ علوی و حسینی در شکوهِ یک مکتبِ فراگیر است. سازنده و البته سوزنده. بهره سازندگیش را وطن می‌برد و سوزندگیش می‌شود سهمِ دشمن. از اول چنین بوده است و تا همیشه چنین خواهد بود. این نگاه را وام‌گرفته از کلامِ خدا در آیه ۸۲ سوره مبارکه اسراء می‌دانم: «وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا». و ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است از قرآن نازل می‌کنیم، ولی ستمگران را جز زیان نمی‌افزاید.» وام‌گرفتنِ این تعبیر از قرآن، به این خاطر است که بسیج را مکتبِ قرآن‌باوران و قرآن‌یاوران می‌دانیم. کسی جز این راه برود، هرچه باشد، بسیجی نیست. کسی که سفره شفا و رحمتش برای مردم — برای همه مردم — گسترده نباشد، کسی که محبت را لقمه نگیرد برای خلق که «عیالُ‌الله» هستند، نمی‌تواند دعوی بسیجی داشته باشد. بسیجی «صلح کل» است و «باغِ پرگل» برای مردم. ازسوی دیگر، دشمن از او جز خسارت و ضربه نخواهد دید. این دو کنش،در هندسه قرآنی هم‌نشینند. همان آیه‌ای که برای مؤمنان «شفا و رحمت» است، برای ظالمان «خسارت» است. بسیجی هوشیار است، دقیق است. کارهایش و نقش‌آفرینی‌هایش جابه‌جا نمی‌شود تا دشمن طمع کند. بسیجی خوب می‌داند کسی که در برابرِ مردم اخم کند، در برابرِ دشمن سر خم خواهد کرد. این، با منطقِ بسیج هزار فرسنگ فاصله دارد. این جمله، یک «قاعده راهبردی» است که «تندخویی با درون» به «نرمشِ نابجا با بیرون» بدل می‌شود. جامعه‌ای که سرمایه اجتماعیش را با اخم و تحقیر خرج کند، در لحظه مواجهه با دشمن، ذخیره‌ای برای ایستادن نخواهد داشت. در واقع، «مردم‌داری» پیش‌شرطِ «دشمن‌شکنی» است، نه رقیبِ آن. بسیجی اهلِ کارِ صادقانه است. هر جا باشد، آن را سنگرِ انجامِ تکلیف می‌داند و به بهترین شکلِ انجامش می‌دهد که این رسمِ «محسنین» است و او در شمارِ آنان صاحب جایگاه. بسیجی به کار برای خدا «سرگرم» نمی‌شود بلکه به انجامِ کارهایی که خدا فرمان داده است، سربلند می‌کند. فرقِ بسیجی با دیگران در همین است. در تشخیصِ فرامینِ خدا. در اینکه کارهایی را به انجام رساند که در دایره واجب و مستحبِ الهی است. از جهاد با دشمنان تا مواسات با مردمان، ذیلِ همین واجب و مستحب تعریف می‌شوند. اینجا هیچ‌کس نمی‌تواند «تکلیف» را به سلیقه خود تفسیر کند. معیار، همان دایره «واجب و مستحب» است نه سنجشِ سود و زیانِ شخصی و جریانی و جناحی. بسیج را باید در شکوهِ رفتارِ مردمانی دید که به‌سوی خدا حرکت می‌کنند. از خود می‌گذرند تا گذرگاه برای دیگران امن شود. لقمه‌ها را ریز و کم‌شمار می‌کنند تا دیگران بتوانند لقمه‌ای افزون‌تر بردارند. «ایثار» به معنای دقیق کلمه کاهش سهم خود برای افزایشِ سهم دیگری است. و این دقیقاً همان نقطه‌ای است که «الهیاتِ مقاومت» به «عدالتِ اجتماعی» می‌پیوندد. ایثاری که به «مواسات» و «عدالتِ عینی» راه نبرد، ایثارِ نمایشی است. بسیجی بزرگ است به زیستِ قرآنی خویش. او را باید سرود، او را باید ستود. بسیج، پیش از آنکه یک «نهاد» باشد، یک «منطقِ زیست» است. شفا برای مؤمنان، خسارت برای ظالمان، تواضع برای خلق، ایستادگی برای حق، و «صادقانه کار کردن» در هر سنگری که تکلیف او را فرا خوانده است. بسیجی یک شهید زنده است. جز این باشد بسیجی نیست حتی اگر هزار سند مکتوب ارائه کند که بسیجی به شناسه‌های رفتاری، شاخص می‌شود نه به شناسنامه‌های مجازی.....

اعلام حمایت سازمان‌های مردمی و اندیشکده‌های بین‌المللی از کودکان ایرانی قربانی جنگ و ترور

همزمان با روز جهانی کودک، ۱۳ اندیشکده و سمن ایرانی و خارجی در بیانیه‌ای مشترک، حمایت خود را از کودکان ایرانی قربانی جنگ و ترور اعلام کردند.

در بخشی از این بیانیه آمده است: ما، جمعی از سازمان‌های مردم نهاد و اندیشکده‌ها از کشورهای مختلف، این بیانیه را به طور مشترک منتشر می‌کنیم تا در شرایط پرالتهاب امسال روز جهانی کودک یادآوری کنیم که رنج این کودکان نباید نادیده گرفته شود.

در این بیانیه با انتقاد از رفتار سیاسی برخی دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی با موضوع تروریسم آمده است: متأسفانه توجه دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی به کودکان قربانی اغلب متکی به این بوده است که ملیت آنها چیست و عامل جنایت چه کسی بوده است. قربانی بودن یک کودک را نباید با ملیت او یا با هویت عامل سنجید، و از رنج کودکان نباید برای امتیازگیری سیاسی استفاده کرد.

در بخش دیگری از این بیانیه آمده است: ایرانیان در چند دهه گذشته همواره قربانی حملات تروریستی بوده‌اند و کودکان نیز در میان این قربانیان بوده‌اند و از میان ۲۳۰۰۰ قربانی تروریسم در ایران، ۵۱۴ کودک ۲ ماه تا ۱۲ سال در این فهرست ثبت شده است.

از راکت بغداد تا موشک تل‌آویو

خاطرات محسن هاشمی رفسنجانی از صنعت موشکی ایران ۱۳۶۶-۱۳۷۰

۱۲



جنگ روانی و اثر اجتماعی موشک‌ها

تا سال ۱۳۶۶ ایران حدود ۶۰ موشک به عراق شلیک کرده بود و در پایان جنگ، ذخایر موشکی کشور برای پاسخ به حملات دشمن کافی نبود. بنابراین لازم بود برنامه‌های ساخت راکت‌ها و موشک‌های برد متوسط، به‌سرعت تقویت شوند. می‌توان گفت، با توجه به کمک‌های مالی و تدارکاتی دشمنان به ارتش عراق، ایران در جنگ موشکی شهرها وضعی نامساعد داشت و در واقع شکست خورده بود. فقدان موشک و راکت دوربرد بومی، باعث شده بود نتواند از نظر موشکی با دشمن توازن لازم را برقرار کند.

اوایل تیر ۱۳۶۶، خبرهایی تازه از چین به گوش می‌رسید. سفیر آن کشور پیامی آورد که در استفاده از موشک‌های کرم ابریشم عجله نکنیم، چرا که احتمال تأخیر در تحویل موشک‌های ساحل به دریا وجود داشت. روشن بود که پشت این پیام، فشارهای شدید دولت‌های بزرگ و برخی کشورهای عربی قرار داشت. با این حال، پدر با صلابت پاسخ داد که ما منابع دیگری نیز در اختیار داریم و نباید نگرانی بی‌مورد به دل راه دهیم. موضع پدر «هاشمی‌رفسنجانی» نشان از آرامش فکری و تسلط استراتژیک او داشت و یادآوری می‌کرد که ایران، در مسیر تقویت توان دفاعی خود، بر پایه برنامه‌ریزی دقیق و تنوع منابع حرکت می‌کند.

تابستان به میانه رسید. اوضاع خلیج فارس ملتهب بود. یک کشتی فرانسوی در راه کویت، هدف موشک قرار گرفت و عراق جزیره فارسی را بمباران کرد. چند شهید دادیم. این اخبار تلخ، اهمیت پیشبرد پروژه‌های موشکی را برای ایران دوچندان می‌کرد. در پایان تیرماه بود که با تیم موشکی عازم جنوب شدم تا برای نخستین بار از نحوه استفاده از موشک‌های ساحل به دریا آگاه شوم.

در همان روزها، سازمان صنایع دفاع، در پارچین راکتی به نام نازعات را با بدنه فولادی و سوخت PU با مدیریت جعفری، صالحی و نعمتی، با بُرد ۷۰ کیلومتر، آزمایش موفق کرده بود. وقتی خبر را شنیدم، خوشحال شدم، ذوق کردم و بی‌اختیار شیرینی خریدم و به خانه بردم. در میان همه تلخی‌ها، همین موفقیت، مثل جرعه‌ای آب گوارا در کویر خستگی‌ها بود. امید می‌بخشید که راهی که می‌روند، هرچند دشوار و پُرسنگلاخ، اما رو به جلوست. راکت نازعات، قرار بود با توسعه در گروه موشکی پارچین و راه‌اندازی خط تولید نیمه‌صنعتی به بُردی فراتر از ۱۰۰ کیلومتر برسد، اما هنوز به نقطه‌ای نرسیده بودند که بتوانند به‌طور قابل‌اطمینان اهدافی مانند بغداد را هدف قرار دهند و تا رسیدن به آن مرحله، حدود یک سال فاصله بود.

علیرضا، نسیم آرامش در میانه توفان

اوایل مرداد، زندگی رنگی تازه به خود گرفت. اعظم برای وضع حمل به بیمارستان رفت و خداوند پسر دوم‌مان، علیرضا را به ما عطا کرد. غروب همان روز، نوزاد را به خانه پدر بردیم تا در گوش او اذان بخواند. لحظه‌ای که آن دست کوچک و گرم، بر سر انگشتانم نشست، در میانه طوفان سیاست و جنگ، آرامشی عمیق در دلم دمیده شد. گویی معنا و پاداش همه دشواری‌ها، در همان تماس لطیف نهفته بود. اکنون عماد برای خود همبازی یافته بود و بار مسئولیت اعظم دوچندان شد. پدر نیز با تبسمی عطوفانه به جمع نوه‌هایش می‌نگریست. سه فرزند، برایش شش نوه آورده بودند. فاطی و فائزه هر کدام دختری و پسری داشتند و من دو پسر. مهدی و یاسر نوجوان، هنوز دل در گرو جبهه داشتند و ازدواج نکرده بودند. جمع خانواده گرچه درگیر جنگ و سیاست و فشار روزگار بود، اما در آن لحظات کوتاه، نسیم حیات تازه‌ای وزیدن گرفت، نسیمی که امید را زنده نگاه می‌داشت و به روزهای پُرالتهابمان معنا می‌بخشید.

تمام وقتم معطوف پیگیری امور صنایع دفاع و هماهنگی و کمک میان گروه‌های متکثر درگیر در تولید راکت و موشک بود. هر روز تلاش می‌کردم پیوندی عملی با پدر – که در مقام فرمانده جنگ، نفوذ و امکان اثرگذاری داشت – برقرار کنم تا موانع تصمیم‌گیری فنی، تدارکاتی و مالی را تا آنجا که ممکن است از مسیر سازمانی رفع شود. کار فنی و مدیریتی، هر دو بی‌وقفه ادامه داشت. در همان حال در پشت‌پرده مراکز تصمیم‌گیری، کشمکشی بر سر تمرکز یا توزیع ظرفیت‌ها بالا گرفته بود. دسته‌ای خواهان واگذاری امکانات جهاد سازندگی به وزارت سپاه و متمرکزشدن همه عملیات ساخت در دایره وزارت و صنایع خودکفایی سپاه بودند و جریان دیگر بر تداوم تنوع مراکز و ظرفیت‌های موازی تا رسیدن به نمونه قابل اطمینان و عملیاتی پافشاری می‌کرد.

محسن رفیق‌دوست، وزیر سپاه و تیمش به‌صوت فعالانه‌ای در جهت گسترش نقش وزارت متبوع خود گام برداشتند و اعتبارات چشمگیری از بودجه جنگ می‌گرفتند. شاهد آن بودم که چگونه ساختار مدیریت و ضرورت‌های فنی با هم گره می‌خورند و تصمیم‌های کلان منطقی تا چه اندازه می‌تواند جهت و شتاب پروژه‌های را رقم بزند. در اعماق این جدال آموختم که هماهنگی هوشمندانه و احترام به منطق فنی، گریزگاه اصلی حفظ ابتکار و پیشروی در کار است و اینکه ساختارهای تصمیم‌گیر سختگیرانه می‌تواند نوآوری را خفه کند یا بالعکس، با تمرکز بجا، از هدررفت بودجه و توان نیروها جلوگیری کند.

در تابستان آن سال، جهان سیاست بین‌الملل و میدان جنگ که در آن نفس می‌کشیدیم، به نقطه‌ای حساس رسید. بر اثر موفقیت‌های عملیات والفجر ۸، که به فتح فاو انجامید، و عملیات کربلای ۵ در شلمچه، زمینه برای تصویب قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد فراهم شد. این قطعنامه که از آن به‌عنوان نخستین قطعنامه نسبتاً متوازن شورای امنیت در دوران جنگ یاد می‌شود، در ۲۹ تیرماه ۱۳۶۶ با رأی موافق همه اعضای شورای امنیت به تصویب رسید. عراق بی‌درنگ آن را پذیرفت اما ایران به صورت خاموش عمل کرد. ایران نیاز داشت، محتوا و پیامدهای قطعنامه روشن شود. پاسخ ایران، ترکیبی از اردوکشی میدان و دیپلماسی هوشمندانه بود. در سطح میدان، فرماندهان و رزمندگان با اتکا بر توان و قابلیت‌های موجود، آمادگی را بیشتر کردند. میدان را فعال‌تر ساختند. عملیات‌های سرنوشت‌ساز طراحی شد تا دست بالا در میدان نبرد حفظ شود. پیام این بود که اگر قرار است قطعنامه‌ای پذیرفته شود، باید وضع بر مبنای واقعیت میدان و نه یأس و فشار تنظیم گردد. این اقدام نظامی، صرفا پاسخ تاکتیکی نبود، بلکه گامی سیاسی هم بود تا موضع ایران در میز مذاکره تقویت شود.

همزمان دستگاه دیپلماسی وارد کار شد. وزارت امور خارجه مأموریت یافت با سفرها، مذاکره‌ها و چانه‌زنی‌های گسترده، خواست اصلی ایران را در متن قطعنامه تثبیت کند. خواسته محوری ساده و تعیین‌کننده این بود که تعیین متجاوز و آغازگر جنگ باید پیش از هر آتش‌بسی قید شود. شورا و طرف مقابل اما به گونه‌ای دیگر می‌خواستند عمل کنند. آنها بر آتش‌بس بی‌قید و شرط پافشاری داشتند و ایران بر عدالت اصرار می‌ورزید.

ادامه دارد

پزشکیان فرا رسیدن روز ملی عمان را تبریک گفت



رئیس جمهور در پیامی فرارسیدن روز ملی سلطنت عمان را به دولت و ملت این کشور تبریک گفت.

دکتر مسعود پزشکیان در این پیام خطاب به سلطان عمان، روابط جمهوری اسلامی ایران و سلطنت عمان را متکی بر پیوندهای عمیق تاریخی، دینی، حسن همجواری و برخوردار از جایگاهی ویژه توصیف کرد و افزود: اطمینان دارم در پرتو رهنمودها و اراده سیاسی جنابعالی و با اتکا به ظرفیت‌های گسترده همکاری میان دو کشور، شاهد گسترش و تعمیق هرچه بیشتر مناسبات دوجانبه در تمامی زمینه‌ها و تقویت همکاری‌ها در راستای صلح، ثبات و امنیت منطقه‌ای خواهیم بود.

شرکت پلیمر آریاساسول
ARYA SASOL POLYMER COMPANY
سهامی عام

آگهی دعوت به مزایده عمومی

فروش ۳۰۰/۰۰۰ کیلوگرم چوب ضایعاتی

مزایده شماره: ASPC-۴۰۵/۲۱۶۸/S

شرکت پلیمر آریاساسول(سهامی عام) در نظر دارد ۳۰۰/۰۰۰ کیلوگرم چوب ضایعاتی را از طریق مزایده واگذار نماید.

لذا بدین‌وسیله از کلیه اشخاص حقوقی و حقیقی فعال در این زمینه دعوت می‌شود به آدرس وب‌سایت شرکت http://www.arya-sasol.ir/ بخش تامین کنندگان (مزایده و مناقصه) مراجعه نموده و اسناد مزایده را دریافت نمایند.

مزایده‌گران می‌بایست پس از بازدید از اقلام یاد شده (با هماهنگی قبلی)، پیشنهاد قیمت خود را مطابق شرایط مندرج در اسناد مزایده ارسال نمایند.

بازدید از اقلام همه روزه (به استثنای روزهای جمعه) از ساعت ۱۰ الی ۱۲ قبل از ظهر و ۱۴ الی ۱۶ بعد از ظهر امکان‌پذیر است.

آخرین مهلت ارائه پیشنهادهای قیمت حداکثر تا ساعت ۱۶ روز شنبه تاریخ ۱۴۰۵/۰۹/۱۴ خواهد بود.

تلفن تماس: ۰۲۱۸۵۹۲۳۸۱۹ - ۰۲۱۸۵۹۲۲۸۲۱

واحد حقوقی و قراردادها شرکت پلیمر آریاساسول